

سایه جنگ سرد انرژی بر سر هند

ترجمه: امیرهادی تاج بخش



یکی از کارشناسان انرژی هسته‌ای هند چندی پیش با بالا گرفتن مجدد بحث انرژی هسته‌ای در این کشور با ارایه‌ی مقاله‌ای در این خصوص اظهار داشت که آیا جهان با جنگ سرد انرژی روبه‌رو است و اگر چنین است جایگاه هند در این جنگ کجاست؟

بر اساس گزارش‌های موجود، تقریباً از ماه مه گذشته (اردیبهشت) که ولادیمیر پوتین، رییس جمهوری روسیه، توافقنامه مربوط به احداث خط لوله گاز را با روسای جمهوری قزاقستان و ترکمنستان، با هدف انتقال گاز آنان به اروپا از طریق روسیه، امضا کرد، نغمه‌های ناسازگاری در خصوص آغاز یک جنگ سرد انرژی شروع شده است. اما آیا واقعا ما با یک جنگ انرژی روبه‌رو هستیم؟ آیا چنین جنگی تازگی دارد؟ و اگر چنین است، هند در این جنگ انرژی چه نقشی را باید ایفا کند؟ همان طور که می‌دانیم در سال ۲۰۰۰، آمریکا و اتحادیه اروپا توانستند جمهوری آذربایجان، گرجستان و ترکیه را متقاعد کنند تا توافقنامه مربوط به احداث یک خط لوله ترانزیت را امضا کنند. قرار بر این شد این خط لوله که خط لوله "باکو-تفلیس-جیحان" (بی‌تی‌سی) خوانده می‌شود، نفت جمهوری آذربایجان را از طریق گرجستان و ترکیه به بازارهای جهانی انتقال دهد.

اگر چه شرکت‌های نفتی برای ساخت این خط لوله سرمایه کافی در اختیار داشتند، اما دخالت آشکار آمریکا بود که احداث این خط لوله را ممکن ساخت. این در

حالی است که روسیه مایل بود این خط لوله از خاک این کشور عبور کند تا جریان صدور نفت خام از طریق بنادر این کشور تضمین شود و در واقع، انحصار صدور نفت متعلق به این کشور و از مسیرهای تعیین شده‌ی آن باشد.

به دنبال احداث این خط لوله، موضوع احداث یک خط لوله جدید به نام خط لوله گاز قفقاز جنوبی مطرح شد، هر چند معلوم نبود که ترکیه چگونه قادر است همگی گاز آن را جذب کند؟ زمانی که خبر احداث و یا تکمیل این خطوط لوله اعلام شد، هیچ سخنی از جنگ انرژی به میان نیامد. پس چرا اکنون که روسیه موافقت‌نامه‌ای با ترکمنستان و قزاقستان برای ترانزیت گاز آنان امضا کرده است، سخن از جنگ سرد انرژی به میان می‌آید؟ آیا این تفاوت میان نفت و گاز، دو منبع مهم انرژی در روی زمین است یا دلایل سیاسی دارد؟

... بهتر است کمی به عقب برگردیم: پیش از تشکیل سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در سال ۱۹۶۰ و حتی چند سال پس از آن، که هفت خواهران (شامل شرکت‌های نفتی "اکسون"، "موobil"، "شورون"، "تگزاکو"، "سی اف پی"، "شل" و "بی پی") همراه با سایر شرکت‌های نفتی چندملیتی، اما عمدتاً آمریکایی، مناطق بسیار جذاب و غنی از نفت و گازی را برای استخراج و تولید این دو ماده حیاتی به دست می‌آوردند، هیچ کس به این فعالیت‌ها به چشم جنگ انرژی نگاه نکرد. حتی

در آغاز سده بیست و نهمین، "وینستون چرچیل"، نخست‌وزیر وقت انگلیس، اهمیت استراتژیک ذخایر نفت را دریافته بود و می‌خواست اطمینان یابد که کشورش با سهولت دسترسی شرکت نفت دولتی "بی پی" به مناطق نفت خیز خاورمیانه، با شرایط مطلوب، در موقعیت مناسبی قرار دارد.

... اما اکنون که چین و هند برای به دست آوردن ذخایر نفت و گاز با قیمت‌های رقابتی در سراسر جهان تلاش می‌کنند، این اقدام درگیر شدن در جنگ سرد انرژی و جنگی جدید، لقب می‌گیرد.

این کارشناس انرژی در ادامه‌ی مقاله خود آورده است: ما پیش از این، شاهد استفاده از سلاح نفت و گاز توسط روسیه در کشورهایی مانند اوکراین (برای اثرگذاری بر نتیجه انتخابات)، بلاروس (جایی که روس‌ها توانستند در خط لوله آن سهمی به دست آورند)، گرجستان (که روسیه نتوانست در خط لوله ترانزیت آن سهمی شود) و ارمنستان (که مسکو نتوانست در دارایی‌های گاز سهمی داشته باشد)، بوده‌ایم. روسیه همچنین نتوانست با این کار، گاز ترکمنستان را با قیمت‌های پایین‌تر خریداری و به قیمت‌های بالاتر به اروپا بفروشد. زیرا این کشور محصور در خشکی جایگزین دیگری برای انتقال گاز خود در اختیار ندارد.

در واقع، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، ترکمنستان نتوانست از طریق روسیه گاز صادر

کند. زیرا اجازه‌ی دسترسی به سیستم خط لوله این کشور را نداشت. البته رییس جمهوری جدید ترکمنستان درها را به روی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (او ئی سی دی) برای ساخت خط لوله سراسری دریای خزر گشوده است. پروژه‌ای که به دلیل نداشتن نگرش استراتژیک از سوی رییس جمهوری پیشین و نیز عدم درایت دیپلماتیک آمریکا و اتحادیه اروپا، تحقق نیافت. با وجود این، در شرایط دگرگون شده جنگ سرد انرژی جدید آمریکا ممکن است خط لوله سراسری خزر را علی‌رغم بازده اقتصادی پایین‌تر آن در حال حاضر، به پیش برد.

... اما، تلاش هند در به دست آوردن گاز از طریق خط لوله تاکنون چندان مثمر ثمر نبوده است. اکنون که واردات گاز طبیعی مایع (ال ان جی) به میزان زیادی به لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه شده است، هند باید به عنوان بخشی از یک سیاست انرژی منسجم، سیاست استفاده فراگیر از ال ان جی را توسعه دهد. هند همچنین همانند چین باید بکوشد طی ده سال آینده دستکم بین ۶۰ تا ۹۰ روز ذخایر نفت استراتژیک ایجاد کند و در حالی که در زمینه دیپلماسی نفتی با کشورهای صادر کننده نفت مانند روسیه، ونزوئلا، عراق، ایران، نیجریه، سوئدان و میانمار همکاری می‌کند، پیوستن به آژانس بین‌المللی انرژی (ای ئی ای) را نیز به عنوان عضو کامل و یا وابسته بررسی کند. در این صورت، شاید تلاش برای دستیابی به منابع انرژی، دیگر به راه‌انداختن یک جنگ سرد انرژی محسوب نشود. اما مهمتر از این، بهترین استراتژی که هند از طریق آن می‌تواند خود را برای جنگ انرژی (چه امروز، چه فردا) آماده کند، به حداقل رساندن مصرف انرژی به هر شکل ممکن است. کاری که با این میزان رشد اقتصادی و با این میزان جمعیت امری دشوار و گاهی محال به نظر می‌رسد.

به هر حال، قدر مسلم آن که با تمرکز ذخایر نفت و گاز در چند کشور، که در مواردی با بی‌ثباتی نیز روبه‌رو هستند، در مورد تضمین عرضه نفت و گاز طی گسیختگی‌های عمده ناشی از مشکلات ژئوپولیتیک، ابهامات زیادی وجود دارد. همچنین طی چهار سال گذشته که بهای نفت خام افزایش یافته است، ثروت زیادی به این کشورها منتقل شده است. انتقال این مبالغ عظیم طی مدتی کوتاه، می‌تواند در آینده مشکلات امنیتی بسیاری ایجاد کند که ما در حال حاضر قادر به پیش‌بینی آنها نیستیم. از سوی دیگر، کشورهای واردکننده نفت و گاز مانند چین، آمریکا، اتحادیه اروپا، کشورهای اروپایی که پیش از این تحت کنترل اتحاد جماهیر شوروی سابق بودند و نیز هند، در مورد امنیت

عرضه انرژی، نگرانی‌های جدی دارند که با شرایط سیاسی-اقتصادی کشورهای تولیدکننده ارتباط مستقیم دارد.

این در حالی است که کشورهای صادرکننده نفت و گاز مانند ونزوئلا، روسیه و سازمان کشورهای عرب صادرکننده نفت (اوپک) در موقعیتی قرار دارند که می‌توانند اراده سیاسی خود را به راحتی به کشورهای مصرف‌کننده به‌ویژه مصرف‌کننده‌های آسیایی، تحمیل کنند. نمونه مشخص آن را در قطع صادرات گاز روسیه به اوکراین که چند سال پیش و برای تحمیل قیمت مورد نظر روسیه انجام گرفته، می‌توان دید.

به هر حال، این نکته مسلم است که افزایش بهای نفت، کشورهای توسعه‌یافته را به صرفه‌جویی در مصرف انرژی، گسترش استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و انرژی هسته‌ای ترغیب کرده است و هند نیز نباید خود را از این قاعده مستثنی بداند. در واقع، گزارش‌ها حاکی از آن است که تأثیر بهای نفت بر هند و چین این بوده که این کشورها بیش از پیش به استفاده از زغال سنگ که ارزان‌تر از نفت است، اما به شدت دی‌اکسید کربن تولید می‌کند، روی آورده‌اند. کشورهای اروپایی هدفی را برای خود تعیین کرده‌اند، مبنی بر این که تا سال ۲۰۲۰ میلادی ۲۰ درصد از انرژی مصرفی خود را از انرژی‌های تجدیدپذیر تأمین کنند، همچنین میزان تولید گازهای گلخانه‌ای را ۲۰ درصد کاهش دهند. اگر هند نیز بخواهد مشکلات انرژی خود را حل کرده و در مسیری جدید، آغازگر جنگ سرد انرژی نباشد، باید همین مسیر را با همین اراده طی کند.

کشورهای مصرف‌کننده به‌ویژه آمریکا نیز به استفاده از انرژی هسته‌ای بسیار روی آورده‌اند، زیرا در تولید این نوع از انرژی، میزان بسیار اندکی گاز دی‌اکسید کربن تولید می‌شود، با این حال، هیچگاه متهم به راه‌اندازی جنگ انرژی نمی‌شوند!! این در حالی است که آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی می‌کند، میزان تقاضای زغال سنگ برای تولید برق تا سال ۲۰۳۰ دو برابر خواهد شد و بزرگترین دلیل دو برابر شدن مصرف زغال سنگ تا سال ۲۰۳۰ را افزایش مصرف این ماده در چین و هند ارزیابی می‌کند. این دو کشور دارای ذخایر بزرگ زغال سنگ هستند و برای برآورده کردن نیازهای سیری‌ناپذیر صنعت خود، به این ماده بسیار نیاز دارند. همچنین از آنجا که قیمت گاز بر پایه قیمت نفت خام تعیین می‌شود، تولیدکنندگان برق در درجه اول به استفاده از زغال سنگ روی می‌آورند و نه گاز.

... پس هند باید با حسابگری این نکته را در یاد که این کشور نیز دارای یکی از منابع مهم حیات بشری

است که ممکن است در آینده‌ای نه چندان دور، نیاز نوع بشر به آن، یعنی زغال سنگ بیشتر از نیاز نوع بشر به نفت و یا هر نوع سوخت فسیلی دیگر باشد. اگر هند بتواند کارایی خود در زمینه استفاده بهینه از زغال سنگ را افزایش و انتشار دی‌اکسید کربن ناشی از سوختن آن را کاهش دهد، می‌تواند امیدوار باشد که تا چند صباح دیگر، این دیگر کشورها هستند که به راه‌اندازی یک جنگ تمام‌عیار انرژی متهم شده و در عین حال، باید به دنبال منبعی برای تأمین نیاز انرژی خود بدون در نظر گرفتن نفت و گاز باشند.

این کارشناس هسته‌ای هند در ادامه می‌افزاید: براساس گزارشی که در همین زمینه منتشر شده، آمده است که انرژی هسته‌ای این پتانسیل را دارد که وابستگی به سوخت‌های فسیلی را کاهش داده و دی‌اکسید کربن مضر را تا حد امکان به سوختی بهینه مبدل سازد. چرا که در مجموع، کارشناسان معتقدند نفت بدترین دشمن آب و هوا نیست، بلکه زغال سنگ بیشترین آسیب را به آب و هوا وارد می‌کند و بهتر است خودروها با نفت کار کنند و در همان حال انتشار گاز دی‌اکسید کربن نیز مهار شود.

به هر حال، آنچه مسلم است آن است که رشد اقتصادی چین و هند در کنار مصرف کشورهای در حال ترقی و کشورهای صنعتی موجب شده است سیستم انرژی جهانی دچار تغییراتی عمیق شود. بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، این آژانس معتقد است چین و هند متوجه شده‌اند که حتی رقابت شدید بر سر میدان‌های طلای سیاه در آفریقا و آسیای مرکزی نیز آنها را در برابر بحران تأمین نیازهای انرژی‌شان مجهز نخواهد کرد. این کشورها دریافته‌اند که امنیت انرژی آنها در گرو عملکرد مناسب بازار نفت است و در عین حال، خود نیز باید توان انرژی‌سازی خود را با بهترین روش‌های ممکن که کمترین ضرر را داشته باشد، افزایش دهند. آژانس بین‌المللی انرژی همچنین توصیه کرده است که چین و هند با اعضای این آژانس همکاری نزدیک داشته باشند، زیرا تمام این کشورها از همکاری با یکدیگر در زمینه سیاست انرژی، بسیار سود خواهند برد.

... به هر حال هند باید تلاشی جدی را در این زمینه آغاز کند و ما متخصصان و کارشناسان هسته‌ای این کشور بیشترین بار را در این زمینه باید بر دوش بکشیم تا بتوانیم خود را از قید این جنگ و دیگر جنگ‌های انرژی که ممکن است به زودی دنیا را فرا گیرد، رها سازیم.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی ایانر، ایندین نیوکلیر ریسرچ (Indian Nuclear Research) نوامبر ۲۰۰۷